

هوش عاطفی، شاخصی نو در بهبود عملکرد و افزایش اثربخشی سازمانی

دکتر مهدی مهدی زاده رستم^۱، حسن حسن زاده^۲، محمود علامی نژاد^۳

چکیده:

رهبری یک سازمان برای انطباق با تغییرات و به منظور بقا و رشد در محیط های جدید، ویژگیهای خاصی را می طلبد که عموماً مدیران برای پاسخ به آنها با مشکلات بسیاری مواجه می شوند. یکی از مهمترین خصیصه ها که می تواند به رهبران و مدیران در پاسخ به این تغییرات کمک کند، هوش هیجانی است. هوش هیجانی موضوعی است که سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجانهای و احساسات در توانمندیهای انسانی دارد. مدیران برخوردار از هوش هیجانی، رهبران موثری هستند که اهداف را با حداکثر بهره وری، رضایتمندی و تعهد کارکنان محقق می سازند. با توجه به اهمیت هوش هیجانی در مدیریت، این مقاله به بررسی ابعاد هوش هیجانی در مدیریت، رشد و توسعه رهبری در محیط کار و روش آموزش هوش هیجانی در سازمان می پردازد. همچنین ضمن بیان مقدمه ای درباره اهمیت ایجاد انگیزش در کارکنان سازمان، بر متفاوت بودن نیازهای انگیزشی آنان در تجویز برنامه های انگیزشی تاکید می شود. در ادامه مهمترین برنامه های سازمانی برای ایجاد، افزایش و تقویت انگیزش کارکنان در سطوح مختلف سازمانی و اداری مطرح و توصیف می شود. تاکید این مقاله نیز بر ارائه تکنیک هایی است که در خصوص برنامه هایی همچون مدیریت مبتنی بر هدف، تعدیل در رفتار، مشارکت کارکنان، برنامه های مبتنی بر حقوق متغیر، برنامه های پرداخت بر اساس مهارت (شایستگی) و بالاخره برنامه های مزایای انعطاف پذیر موثر واقع می شوند.

واژه های کلیدی: هوش هیجانی، مؤلفه های هوش هیجانی، توسعه هوش هیجانی، اندازه گیری هوش عاطفی، هوش هیجانی و رهبری، نقش هوش هیجانی در زندگی، هوش هیجانی و عملکرد اثر بخش.

^۱گروه مدیریت دولتی، عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لارستان، لارستان، ایران mehdizadeh551@gmail.com

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی، لار، لارستان، ایران

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی، لار، لارستان، ایران Mahmood.allami@yahoo.com